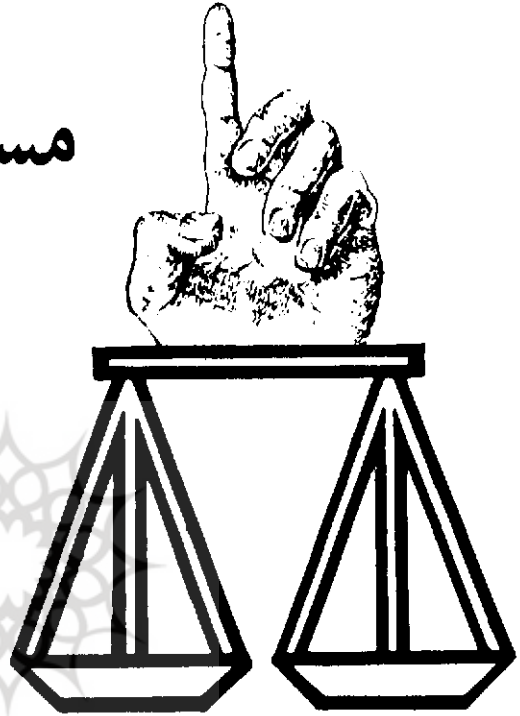


تحلیلی پیرامون:

مسأله تعزیرات در اسلام



ناصر مکارم شیرازی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بسم الله الرحمن الرحيم

ممانعت موقت از کسب و کار، توبیخ لفظی خصوصی، توبیخ توسط وسائل ارتباط جمعی، منع بعضی از حقوق اجتماعی، و امثال اینها را شامل می شود؟

« آیا هماهنگی در تعزیرات میان حکام شرع لازم است؟

« تعزیر چیست؟ و فلسفه آن کدام است؟

« فرق دقیق «تعزیر» و «حد»

« انواع تعزیر در اسلام و دلائل فقهی آن

« آیا علاوه بر تنبیه بدنی به وسیله شلاق، تنبیهات بدنی و روانی دیگر مانند زندان، تبعید، جریمه مالی،

می‌دانیسه در اسلام دو نوع مجازات برای متخلفان تعیین شده است:

همه لازم‌تر است. همان موضوع هائی که در عنوان این بحث آمده است:

نوع اول:

مجازات‌هایی که نوع و کیفیت و مقدار آن در شرع تعیین شده و آن را حد می‌نامند، مانند حد زنا، لواط، مساحقه (همجنس‌گرایی زنان) شرب خمر، سرقت، قذف (نسبت دادن کسی به غسل متنافی عفت) و حد محارب.

نوع دوم:

مجازات‌هایی است که نه کیفیت و کمیت آن در شرع تعیین شده و نه حتی نوع آن، و آن را «تعزیر» می‌نامند.

«تعزیر» به اجماع علماء و بیدایه صریح نصوصی که در این زمینه وارد شده در تمام تخلفات و گناهان کبیره‌ای است که از کسی عمداً و عالماً سر می‌زند، خواه انجام فعل حرامی باشد یا ترک واجب.

در تمام این موارد هنگامی که وقوع چنین جرمی پیش حاکم شرع ثابت شود، دستور اجرای تعزیر می‌دهد.

در مورد تعزیر، بحث‌های متعددی داریم ولی چند موضوع امروز برای ما از

۱- فلسفه تعزیرات

گرچه در مباحث فقهی معمولاً سخنی از «فلسفه احکام» به میان نمی‌آید و یا اگر بیاید به عنوان یک بحث جنبی و در حد یک تأیید است، دلیل آن هم روشن است زیرا «فقیه» قانونگذار نیست حتی در مواردی که نصوص خاصی نباشد، بلکه باید حکم شرع را از قواعد و اصول کلیه‌ای که در شرع وارد شده استنباط و تبیین کند.

آری، «فقیه» قانونگذار نیست که مصالح و مفاسد احکام را بسنجد و سبک و سنگین کند و بعد جعل قانونی بنماید، بلکه کار «فقیه» بررسی و کشف احکامی است که در کتاب و سنت و منابع اسلامی وارد شده است.

به تعبیر دیگر، ما معتقدیم که تمام قوانین مورد نیاز امت اسلامی تا روز قیامت و پایان این جهان، در اسلام پیش‌بینی شده است که اگر پیش‌بینی نمی‌شد «اکمال دین» و «اتمام نعمت» مفهومی نداشت.^۱

منتهای این احکام گاه در لابلای

احکام، چه آن بخش که در آیات قرآن واحادیث بی شمار وارد شده، و چه آن بخش که با دلایل روشن عقلی به ثبوت رسیده، از یک سوره شنائی قابل ملاحظه‌ای به ذهن دانشمندان می‌دهد و از سوی دیگر توده مردم را نسبت به اجرای احکام اسلامی علاقمند و دلگرم و خوش بین می‌سازد. و در مجموع یکی از طرق اعجاز این آئین پاک، محسوب می‌شود. چرا که وجود چنین احکامی با این فلسفه‌های عمیق از شخص درس نخوانده‌ای که ۱۴ قرن پیش از یک محیط کاملاً عقب افتاده برخاسته، امکان پذیر نیست، مگر از طریق وحی و تعلیم الهی صورت گیرد.

البته از دو چیز باید در اینجا به شدت پرهیز کرد:

نخست: افراط در مسأله بیان «فلسفه احکام» و تکیه کردن بر گمان و پندار و تخمین و استحسان و مطالبی که از نظر علمی بطور قطع به ثبوت نرسیده و افکار محدود و یک بعدی، چرا که اینگونه فلسفه چینیها در باب احکام، انسان را به کلی از صراط مستقیم منحرف می‌سازد، و تسلیم جوسازیها و تخیلات و پندارها می‌کند و قوانین

آیات قرآن یافت می‌شود و گاه در قول و فعل و تقریر معصوم (پیامبر و امام) و گاه در اجماع علماء و گاه در دلیل عقل، و همانگونه که در روایات اسلامی آمده همه چیز حتی دیه یک خراش کوچک بر بدن در احکام اسلام پیش بینی شده است.

بنابراین توبتی برای قانونگذاری «فقیه» باقی نخواهد ماند و اصولاً چنین حقی به او واگذار نشده است.

و اگر می‌بینیم مثلاً در مورد کارهای مجلس شورای اسلامی امروز تعبیر به قانونگذاری می‌شود منظور تطبیق کلیات قوانین اسلام بر موارد نیاز و حاجت است و یا بررسی مقررات اجرائی است. زیرا کیفیت اجراء موکول به حکومت اسلامی با نظارت «فقیه» است. و اینجا است که نمایندگان مردم می‌نشینند و بهترین کیفیات اجرائی را برمی‌گزینند و به حکومت اسلامی پیشنهاد می‌کنند، منتها بعد از آنکه عدم مخالفت آن با مقررات اسلامی از طرف «فقهاء» (و به تعبیر قانون اساسی، فقهای شورای نگهبان) تأیید شود.

ولی با اینهمه آگاهی بر فلسفه

احکام اسلام را به سمت تمایلهای این
وآن منحرف می سازد.

دیگر اینکه: انکار فلسفه احکام
وجمود و پرهیز و وحشت از آن، گذشته
از اینکه با روش قرآن که در بسیاری از
موارد تعبیرات پرمعنی در زمینه فلسفه
احکام دارد (از قبیل فلسفه نماز، روزه،
حج، زکات، قصاص، و مانند آنها که
شرح آن به درازا می کشد) سازگار
نیست. و گذشته از اینکه با روش
معصومین علیهم السلام که به یاران خود
اجازه می دادند که از فلسفه احکام
سؤال کنند (و در کتابهای مفصلی مانند
«علل الشرایع»^۲ بیانات آنها را در زمینه
فلسفه احکام گردآوری کرده) نیز
سازگار نمی باشد، سبب می شود اسلام
چهره منطقی و عقلانی خود را در زمینه
احکام از دست بدهد و اصل مسلم «ما
حکم به الشرع حکم به العقل» که دلیل
هماهنگی شرع و عقل در تمام زمینه ها
می باشد خدشه دار شود، و راه عقل که
«رسول باطن» است از «راه شرع» که
«عقل بیرونی» است جدا گردد. و این
امور کلاً خطرناک است. همانگونه که
افراط در فلسفه چینی نیز خطرناک
می باشد.

از اصل سخن دور نشویم

بحث از فلسفه تعزیرات بود، فلسفه
تعزیر همان فلسفه حدود است و هر دو در
عنوان «فلسفه مجازاتها» جمع است.
توضیح اینکه در جای خود گفته ایم
که اکثریت مردم کسانی هستند که
از طریق فرهنگی و تعلیم و تربیت و آموزش
لازم، قابل توجیه و هدایتند، بنابراین نه
نیازی به مجازات دارند و نه شدت عمل
و خشونت.

به تعبیر دیگر، خوبیها که در اسلام
از آن به عنوان «معروف» یاد می شود،
اموری هستند شناخته شده و آشنای با
روح و جان انسانها. یعنی خداوند
فطرت انسان را چنان قرار داده که
جاذبه ای میان آن و نیکی ها حکم
فرماست و به همین دلیل است که
توجیه فکری و فرهنگی برای اکثریت
جامعه کافی است.

ولی در تمام اجتماعات اقلیتی
وجود دارند که نه تنها پای بند به قوانین
و احکام نمی باشند، بلکه گاه از قانون
شکنی لذت می برند و از آن بالا تر گاه
به آن افتخار می کنند.

اینگونه افراد برای هر جامعه ای

نسبتاً وسیعی به آنها داده است تا بتوانند نیازهای هر زمان را به وسیله آن برطرف سازند و گرد اتهام «عدم قابلیت اجرا» بر دامان احکام آن ننشینند و همیشه تازه و زنده باشد.

۲ - فرق دقیق حد و تعزیر

و در اینجا فرق عمده «حدود» و «تعزیرات» در فقه اسلامی روشن می شود. چرا که اولی از هر نظر معین و محدود و دومی تا حد زیادی باز و گسترده و در اختیار قاضی شرع و حکومت اسلامی است.

ولی بعضی از فقهای بزرگ مانند صاحب مسالک در عمومیت این تعریف برای تعزیر، تردید کرده و گفته اند: «والاغلب من افراده انه كذلك»^۳ سپس به پنج مورد نقض برای این کلیت اشاره کرده اند که در عین تعزیر بودن، تعیین مقدار برای آن شده است:

- ۱ - تعزیر کسی که در روز ماه مبارک رمضان با همسر خود آمیزش جنسی کند که در روایات بیست و پنج تازیانه برای او تعیین شده است.
- ۲ - دو مرد برهنه در یک بستر دیده

خطر دارند و یکی از مهمترین طرق پیش گیری از خطرات آنها استفاده از مجازاتهای مختلف عادلانه است.

ولی از آنجا که تخلف از قوانین واحکام الهی یک چهره و صد چهره ندارد، بلکه به تعداد این مقررات تخلف تصور می شود، مجازاتها نیز باید متنوع و متناسب با جرائم باشد.

در اینجا اسلام بخش مهم و عمده ای از آن را دقیقاً پیش بینی و مجازات آن را از نظر نوع و کیفیت و کمیت تعیین کرده است (مانند حدود ششگانه که قبلاً به آن اشاره شد).

اما بخش دیگر که قابل تعیین دقیق نبوده، چون بسیار پرنوسان است اصل آن را به طور کلی تشریح کرده و تعیین دقیق آن را بر عهده حکومت اسلامی و حاکم شرع گذارده که با در نظر گرفتن «کیفیت» و «کمیت» و «نوع جرم» و «شخص مجرم» و «زمان» و «مکان» و «سایر خصوصیات» مجازات لازم را تعیین و اجرا کند.

و این یکی از رموز جاودانگی آئین اسلام است، زیرا دست قضا را برای مجازات مجرمین - با توجه به شرایط و ویژگیهای زمان - باز گذارده و اختیارات

به این ترتیب مشکل این دو نیز حل می‌شود.

قابل توجه اینکه در روایت اول باب

۴۹ از ابواب حد زنا که مسأله ازدواج

زن غیر مسلمان مطرح شده، راوی

سؤال می‌کند: «فعلیه ادب؟» آیا او را

باید تأدیب کرد؟ سپس امام مقدار فوق

را بیان می‌فرماید و این تعبیر، خود

بیانگر این مطلب است که مجازات

مزبور داخل در حدود و احکام حدود

نیست و هدف از آن تأدیب است. و در

مورد مسأله تعزیر افطار ماه مبارک

رمضان علاوه بر اینکه مورد اتفاق نظر در

میان فقهاء نیست، سند روایت آن مورد

ایراد است.^۵

نکته دیگری که توجه به آن در

اینجا لازم است اینکه: بطوریکه بعداً نیز

اشاره خواهیم کرد امام و حکومت

اسلامی می‌تواند در موارد تعزیر برحسب

مصالح مقدار معینی را پیشنهاد کند و در

این صورت تبعیت از آن مقدار مادام که

آن شرایط و مصالح باقی است لازم

است. و این منافات با مسأله نامحدود

بودن ذاتی تعزیر و مخیر بودن قاضی

ندارد، و دو مورد بالا ممکن است از این

قبیل باشد.

شوند و اقدام آنها به لواط ثابت نباشد که تعزیر آنها از ۳۰ تا ۹۹ تازیانه تعیین گردیده است.

۳ - کسی که از غیر طریق آمیزش

جنسی زنی را ازاله بکارت کند، که از

۳۰ تا ۷۷ یا به قولی تا ۸۰ یا ۹۹ ضربه

تازیانه تعیین شده.

۴ - برای دونفر زن و مرد بیگانه که

برهنه در بستر واحدی دیده شوند، از ۱۰

تا ۹۹ تازیانه معین گردیده.

۵ - کسی زن غیر مسلمانی از اهل

کتاب را (به صورت موقت) بدون اجازه

زن مسلمانش به ازدواج خود درآورد، که

دوازده تازیانه و نصف برای او تعیین

شده (منظور از نصف تازیانه، گرفتن

وسط تازیانه و به آن صورت ضربه وارد

کردن است).

ولی شاید نیاز به توضیح چندان

ندارد که در سه مورد از این ۵ مورد

مجازات معینی ذکر نشده، بلکه قاضی

در میان یک حداقل و حداکثر مخیر

گردیده که این خود دلیل روشنی

بر انطباق تعریف «تعزیر» بر آن است.

و اما در دو مورد دیگر که بطور قطع

تعیین شده بعید نیست از قبیل ذکر یک

مصدق باشد نه انحصار در آن مصداق و

شده است. و اما تعزیرات موکول به نظر قاضی می باشد، همچنان به قوت خود باقی است. (ادامه دارد...)

به هرحال این معیار قدیمی معروف در بیان فقهاء که حدود مجازاتهای هستند که از طرف شارع مقدس تعیین

*پاورقی ها

(۱) سوره مائده آیه ۳.

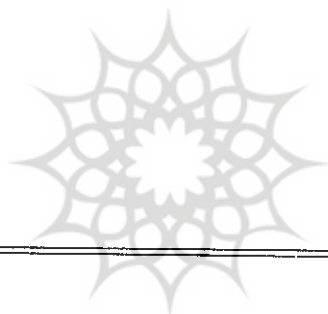
(۲) شیخ صدوق متوفای ۳۸۱.

(۳) غلب افراد تعزیر غیر معین است نه همه افراد آن. مسأله ج ۲ ص ۴۲۳

(۴) وسائل ج ۱۸.

(۵) در سند روایت، ابراهیم بن اسحاق الأحمر است که شدیداً تضعیف شده، بعلاوه مفضل بن عمر نیز در سند

می باشد که او هم محل گفتگو است.



.... از اینکه طولانی شده است جنگ نهراسیم که جنگ به نفع اسلام است و ما حق هستیم و حق بر باطل پیروز است و مرگ مخالفین با اسلام و جمهوری اسلامی نزدیک است و قوای مسلح ایران با کمال رشادت در مرزها مشغول مجاهده هستند و تمام ملت پشتیبان آنها است.

از بیانات امام خمینی در دیدار با مردم شهرستان میانه و حومه

در تاریخ ۱۳۶۰/۱۰/۲۶